

نوری که در دل

محمد (ص) تا بید

باینکه خوشبختانه اخیراً در سراسر دنیا و از جمله ممالک آسیائی و افریقائی و بخصوص کشورهای اسلام، واردگی و نفوذ عجیبی است به غرب و استعمارگران غربی پیدا شده ، و رفته رفته روح عرب زدگی یکی از کالدهای نحیف شرقی ها رخت برهنه بند ، ولی متأسفانه با هم گاه و بیگاه افرادی خود باخت و از خود بیگانه ، و بیگانه یگانه یافت میشوند که تلقین دین از آئین اسلام ندارند ، و در برابر منافع مادیین غرب و متفکران بیگانه اعم از فریب و غیره - استقلال فکری خود را درست داده و تحت تأثیر تلقینات سوء اجانب نظر مساعدیست به آیین جاویدمان خود نشان نمی دهند . با نمی خواهند درست با آن آشنا باشند . . .

آری در این سلسله مقالات نوشته میشود شناخت اسلام از دیدگاه گروهی از متفکران بیگانه و دانشمندان متصف غربی است که به منظور بیداری و آگاهی این قبیول افراد نگاهشده میشود اینک دنباله اشراقات این دسته از متفکران آگاه بیگانه نسبت به اسلام و آورنده آن پیامبر اکرم (ص) :

رسال جامع علوم انسانی

اسلام آئین معتدلی است :

۳۱- هازون مارکوس - آمریکائی (۱۸۱۲ - ۱۸۸۷) دکتر در فلسفه ، در کتاب «زندگان محمد پیامبر اسلام» می نویسد: «بیان بدسخنی را که میان ملامت مسلمانان مشترک است بپذیریم و اضاف «هم که اسلام دینی مشعل و پیامبر بزرگوار آن «محمد» است . بیاید تا موضوع سخن خود را «حکومت اسلامی در صدر اسلام» قرار دهیم ، و پیرامون نظامات آن در زمان رهبر و فرمانده مسلمانان یعنی «پیامبر بزرگ» بحث کنیم . تاروش سادیم که یاران پیامبر و

درعبران اسلام اعمال خود را با کمال امانت و دقت بر وفق احکام درخشان که محمد آورده بود،
بدینجو احسن انجام می دادند.

در زمان طلوع اسلام، مسلمانان پراکنده نبودند و در اجزای مختلف گرد نیامده بودند
بلکه بعکس، حکومت اسلامی نماینده تام و تمام همگی مسلمانان بود. آنهم صارت بود از
عبثت منظم و مشترکی که از جانب کاتب طوائف مسلمین سخن میگفت، و اعلام سیداست که
هر مسلمان باید شریک روح برادر دینی خود باشد، عبدالله محمد در میان جمیع مال اسلامی
شیوع داشته تا آنجا که میگوید: «محمد پیشوا و رهبری سیاستمدار بود - به مفهوم آن که در
لنظراعات و پیشوائی و سیاستمداری نهفته است، این معنی در بهترین مصلحتی که بی نوع انسان
شناخته است نسبت به محمد، تجلی میکند.

دینی دارای تعالیمی بزرگ

۳۲- «اسکندر در ۵۵ ماس» فرانسوی (۱۸۰۳ - ۱۸۷۰) داستان اوپسین مشهور در کتاب
«سوادان سه گانه» مینویسد: «محمد معجزه شرق بود، زیرا دینش دارای تعالیمی بزرگ
بود، اخلاقش برجسته و صفاتش دجستایی پسندیده داشت»

نبوغ بی نظیر محمد

۳۳- ژویر سموئیل انگلیسی (۱۸۴۳ - ۱۹۰۴) خاورشناس و مدیر مجله جهان
اسلام، بزبان انگلیسی که تألیفات پرآوازش پیرا بود روابط اسلام با مسیحیت دارد، و از
جمله «عبسی در اجزاء العلوم عربی» است که در سال ۱۹۱۲ منتشر شده است، در کتابت
اخیر مینویسد: «نبوغ محمد (ص) عامل اساسی پیروزی وی و بالاگرفتن کارش بود، که باید
آشنائی کامل او را به ادیان مسیح خویش و پیروزی معنوی شگرف او را در جلب قلوب و توانایی
وی در اداره امور مردم و جنگها، و جنگی او را در امر سیاست آن افزوده.

اصلاحاتی که محمد بعمل آورد.

۳۴ - دکتر بندلی ژرژئی سوئیسی (۱۸۳۸-۱۸۹۳) در کتاب «جغایه اسلام»
صفحه ۲۳ مینویسد: «هنگامیکه ساد باره اصلاحاتی که به دست محمد (ص) پیغمبر دین
نخواهد انجام انجام گرفته بحث میکنیم نمی توانیم انکار نمائیم که وی اکثر وعده های خود را به
انجام رسانید، و قسمت زیادی از آرزوهای خویش را تحقق بخشید.

اگر او میتوانست بیشتر از آنچه در دنیا است زندگی کند، اصلاحاتی را که در میان ملت
عرب بعمل می آورد کاملتر و وسیعتر بود، با این وصف آنچه وی در این سالهای اندک که

بقیه در صفحه ۶۶

در مدینه با همه اختلافات و دسیسه ها و جنگها و نیرنگها و دورویی هایی که نسبت به او معمول می داشتند ، عملی ساخت ، خود کاری بس بزرگ بود که جز دشمنان سرسخت و کوردلان متعصب کسی نمیتواند آنها را انکار کند .

قرآن بزرگترین دلیل وحدانیت خدا

۳۵ - ادوار همیسیون بلژیکی ۱۷۱۵ - ۱۷۸۳ در کتاب «تمدن شرق» صفحه ۲۷ می نویسد : «دین محمد از هر گونه آلودگی پیراسته است . قرآن بزرگترین دلیل وحدانیت خداوند یگانه است . محمد (ص) مردم را از پرستش بت ها و سزارگان منع کرد ، قرآن معجزه محمد است .

۳۶ - «دکتر جان تورتو کرو» اسپانیایی متولد در «اشبیلیه» سال ۱۸۱۰ و در گذشته ۱۸۷۵ در یکی از کنفرانس های خود بنقل مجله «الهلال» شماره دوم سال سوم می گوید : محمد در اظهارات خود تکیه بر معجزات مکرر - مردم عرب می کنند ؛ اگر تو پیغمبر عینی کارهای حارق العاده ای بر آنها انجام بده ، و اجواب میداد که بسیاری از پیغمبران معجزه داشتند ، ولی بش آسا را در رو می دانستند ، اگر مسلم کارها را با معجزه انجام دهم ، مادام که دل های شما را صلوات گرفته است ، ایمان نمی آورید .

معجزه من قرآن است . (۱)

تا آنجا که گفت : هر پیغمبر که معجزه ای داشته است و معجزه من قرآن است .

نوری که خدا در دل محمد (ص) تابید

۳۷ - داور اولهوات کاندالی متولد در شهر کبک سال ۱۸۴۳ و در گذشته ۱۹۰۲ در کتابی بنام «اسلام و عرب» که به زبانهای فرانسه و عربی ترجمه شده است می نویسد : «محمد (ص) که با پشت و سینه «مهلکم» می داد ، و در ده های جهل و نادانی که دیدگان عرب را پوشیده بود با ظهور نبوتش از هم دریده شد ، قرآنی آورد که نور آن در جهان تابیدن گرفت . آن نور ، نور حکمت بود . این همان نوری بود که خدا آنرا در سینه پیغمبری که تاگزین می باید برای ارشاد بشر مبعوث گردد ، تابان نمود ، و مسلم است که حقایق بهتر میباشد ، رسالت خود را به چه کسی واگذار نماید .

(۱) البته پیامبر اسلام علاوه بر قرآن معجزات دیگری نیز داشت و در بیان آنها قرآن

معجزه جاویدان او است .